

گزارشی از خوانندگی مجدد حامد زمانی

بازگشت پس از ۲۰۰۵ روز



محمد حسین سلطانی
خبرنگار گروه فرهنگ

حامد زمانی، ۲۰۰۵ روز نخواند. چیزی حدود ۵ سال و نیم. آخرین اثرش سپیدار بود با شعری دربارۀ مردم: «من مردمی رومی شناسم که دنیا کنار عشقشون میچه» و اتفاقات سیاسی سال ۹۸ از شهادت حاج قاسم تا سقوط هواپیمای اوکراینی. زمانی نقطه ثقلش را گذاشت روی مردم و وحدت اجتماعی. قرار بود، فروردین ماه ۱۳۹۹ دل و دین را منتشر کند. کاورش طراحی و حتی تیزر آهنگ هم منتشر شد. خواننده‌ای که اولین اثرش را در سسال ۸۵ منتشر و در بازۀ حدود ۱۴ سال، ۹۰ قطعه به جریان موسیقی مملکت تزریق کرد. او فعالیتش را ۲ سال زودتر از محمد علیزاده، هم‌زمان با مرتضی پاشایی و کمی بعد از چاوشی و بابک جهانبخش شروع کرد، یعنی تقریباً همراه با جریان سسوم پاپ بعد از انقلاب در ایران. زمانی حاصل‌ری برندنینگ موسیقی انقلابی و جریانی بود که می‌خواست سبک‌های موسیقی را به شکل مبین و رادیکال به باورها و اعتقادات سیاسی و مذهبی انقلابی پیوند بزند. او در زمان انتشار اولین اثرش دانشجویی ۱۸ ساله، قد بلند و نحیف اما با صدایی متفاوت بود و کمتر کسی به چرخیدن صدای او بین مردم اعتقاد داشت و گمان می‌کرد در فضای داغ پاپ در آن روزها، نامی از او باقی بماند. صدایی که حالا در ۳۷ سالگی ترانه «می‌کشونی» را منتشر می‌کند؛ ترانه‌ای که به گفته نزدیکان او، از آثاری‌ست که چند سال قبل خوانده و در آرشپوش نگه داشته و قرار است با آن، فرایند احیای مهم‌ترین خواننده پاپ انقلابی آغاز شود. خواننده‌ای که بازگشتش را می‌توان شروع دوباره جریان موسیقی انقلابی دانست، آن هم در حساس‌ترین روزهای منطقه.

— ترند بلوتوث فارسی

زمانی بعد از ۸۸ و همراه با ادبیات تازه جریان انقلابی شکل گرفت و آمد تا در گسترش دایره لغات جامعه مذهبی سهیم باشد. در هنگامی که الفاظی چون مذکره، دفاع از حرم، مقاومت، ترور دانشمند هسته‌ای و جنگ اقتصادی به دایره لغات انقلاب اضافه می‌شد، زمانی آمد تا این جهان فکری را به موسیقی پیوند بدهد. او ۱۴ سال از مهم‌ترین چهره‌های موسیقی آیینی و انقلابی بود. بیان واضح جهت‌گیری سیاسی جریان مقاومت و واکنش نسبت به رسانه‌های فارسی زبان خارج‌نشین خیلی زود شد ترجیع‌بند آهنگ‌های حامد زمانی. اتفاقات سیاسی ۸۸ تا ۹۲ فضا را به گونه‌ای پیش‌برد که صدای زمانی طالب پیدا کرد و ناگهان آن جوان اصفهانی نحیف و دانشجوی علوم سیاسی، صدایش در تمام خیابان‌های تهران پخش شد. حامد زمانی خیلی زود بدل به موسیقی متن تمام اتفاقات سیاسی پس از ۸۸ و نامش به عنوان سیاسی‌ترین خواننده خاورمیانه در رسانه‌های خارج‌نشین چرخید. نام زمانی به یکی از ترندهای بلوتوث فارسی تبدیل شد و در وبلاگ‌های مذهبی اوایل دهه ۹۰ وجود یکی از ترک‌های زمانی از ملزومات آن روزگار

بود. او تمام این اتفاقات را تنها در زمانی رقم زد که ۲۳ سال بیشتر نداشت. زمانی از ۲۳ تا ۲۶ سالگی، خواننده مهم‌ترین برنامه‌های سیاسی و اقتصادی آن روزها – «دیروز امروز و فردا» و «ثریا» – شد و در سالی که علی ضیا اجرای ماه‌عسل را (در سال ۹۱) بر عهده داشت، حامد زمانی هم خواننده ماه‌عسل بودو هم به عنوان یکی از ۱۰ چهره برتر موسیقی پاپ در آن سال‌ها مطرح شد. وقتی مجاری ترورهای سال ۹۰ و ۹۱ داغ شد، باز هم زمانی اولین خواننده‌ای بود که صدایش در رسانه‌ها می‌چرخید و نام آر‌میتا (دختر شهید رضایی‌نژاد) با آهنگ او بر سر زبان‌ها افتاد. تلویزیون سعی داشت در همان سال‌ها جایگزین‌هایی برای زمانی تولید کند و اشخاصی را بالا بیاورد، اما مهم‌ترین خواننده جریان انقلاب حائز نکاتی بود که باقی خوانندگان

این جبهه فاقد آن بودند:

۱ مهم‌ترین نکته‌ای که زمانی را در بازه‌ای که فعالیت داشت باقی نگه داشت، تداوم فعالیت او بود. زمانی خواننده بود، خواننده ماند و تغییر کارکرد نداد. او می‌دانست راز ماندن در فضای رسانه تولید اثر است و با تک اثر ترند نمی‌شود به خواننده‌ای جریان‌ساز تبدیل شد. زمانی بیش از هرچیز می‌خواست یک خواننده باشد و اثر تولید کند و با غول‌های پاپ جریان سسوم رقابت کند. در سال‌هایی که تیتراژ‌های تلویزیون دست خواجه‌امیری و لهراسیی بود، رقیبی شایسته برای آن‌ها شد و ترانه‌های مذهبی و سیاسی او و البته تیتراژ‌هایش برای برنامه «امروز هنوز تموم نشده» و «کرکره» در حد تیتراژ‌های مطرح آن زمان تلویزیون مانند «فاصله‌ها» لهراسیی، «جاده یک طرفه» مرتضی پاشایی و «نابرده رنج» احسان خواجه‌امیری مطرح شد و در همین بازۀ ۴ ساله ۸۸ تا ۹۲ تا می‌توانست اثر تولید کرد و در ۱۳ سال از ۸۵ تا ۹۸ تقریباً هر ۶۰ روز یک قطعه منتشر کرده است.

۲ زمانی در اواسط دهه ۹۰ گفت‌گویی کرد با برنامه «امروز هنوز تموم نشده» و مجری برنامه از حامد زمانی یک سؤال کوتاه می‌پرسد: «حامد زمانی مداحی است که خوانندگی را دوست دارد؟» زمانی چهره‌اش در هم می‌رود و می‌گوید: «من خواننده‌ام، مداح نیستم.» با نگاهی به کارنامه‌ها و حواشی حامد زمانی از همان سال‌های ۸۸ تاکنون متوجه می‌شویم که درگیری اصلی زمانی با بدنه حزب‌اللهی تنها بر سر همین تک جمله بوده. او در تمام این سال‌ها تلاش کرده است بگوید مداح نیست و خواننده است و اصلاً قرار نبوده مداح باشد.

مدل نگاه دگم‌اندیشان بدنه حزب‌اللهی در آن سال‌ها (که البته هنوز هم تداوم دارد) به مسئله موسیقی به گونه‌ای بود که اصولاً اجازه ورود جامعه مذهبی را به سمت صورت‌های فرمی دیگر موسیقی نمی‌داد. البته مخالفان او تنها به هسته سخت بدنه حزب‌اللهی محدود نمی‌شدند، جامعه موسیقی کشور هم زمانی را درون دایره خودش قرار نمی‌داد و از او به عنوان «جوان خوش‌صدای مداح» یاد می‌کرد. به این حال، زمانی درست در همین بازه، مطرح‌ترین آثار سیاسی خود را منتشر کرد و حتی یکی از مهم‌ترین

موسیقی‌های انتخاباتی در سال ۹۲ را با عنوان «ایران سربلند» منتشر کرد. در همین بازه بود که عده‌ای شروع کردند به زدن این حرف که او خواننده پروپاگانداست و حکومتی‌خوان است، اما باز هم زمانی کارش را ادامه داد و سازوکار قطعه‌هایش را در این جمله خلاصه کرد: «پازل گفتمانی من یعنی شورش علیه سه‌گانه طاغوت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی.» زمانی پایش را نه به هیئت‌ها به عنوان مداح باز کرد و نه در دایره جریانات حزبی افتاد و برای کاندیدای خاصی خواند. شاید مهم‌ترین اثر سیاسی حامد زمانی که متوجه سیاست‌های داخلی‌ست، «بگذرد» باشد که کمی قبل از انتخابات ۹۶ خوانده شد، با این حال حتی درباره آن اثر هم زمانی این طور می‌گوید: «این قطعه مطالبه از صاحب‌منصبانی است که خود را در هر کسوتی خدمتگزار مردم معرفی کنند. «بگذرد» فلسفه زندگی است، چیزی که امروز موسیقی ما کم دارد. «بگذرد» نه حزبی است نه جناحی، بلکه صرفاً صدای مردم است، به همین خاطر است که آن را از تمام بهره‌برداری‌های حزبی و جناحی آن هم در چنین ایامی دور نگه داشتیم و خودمان تهیه‌کننده این اثر شدیم.» مجموعه همین تصمیم‌ها هم باعث شد تا زمانی از دو طیف نزدیکان و خارج‌نشین‌ها مورد حمله واقع شود و تا آخرین روزهای فعالیتش در سال ۹۸ هم نتواند از دایره دعواهای سیاسی و جناحی بیرون بیاید.

۳ طی ۱۰ سال اخیر خوانندگان و مداحان بسیاری وارد جریان موسیقی انقلاب شدند و سعی کردند خودشان را بالا بکشند و بدل به موسیقی اصلی جبهه مقاومت یا انقلاب شوند؛ برخی هنرمندان مانند علی‌اکبر قلیچ، مجال، حسین حقیقی، حامد محضرنیا و دیگر خوانندگان طیف مذهبی تلاش کردند در حد و اندازه‌های زمانی مطرح شوند، با این حال زمانی هم از نظر فن موسیقی و هم در متن و شعر اثرگذاری بالاتری را از خود نشان داد.

۴ شاید تنها خواننده‌ای که در این سال‌ها به اندازه حامد زمانی تجربه‌گرا بوده محسن چاوشی است، زمانی چندین مرتبه تغییر سبک و تغییر زبان ترانه داد. او از اشعار سیف فرغانی گرفته تا ترانه‌های خودش را در موسیقی‌ها گنجانند و از سنتور گرفته تا گیتار الکترونیک را به قطعانش تزریق کرد. زمانی از جایی به بعد فضای اشعارش را انتزاعی و حتی از زاویه دید دشمن برد و ترانه‌هایی مثل «می‌کشیم» و «الکترون» را منتشر کرد. زمانی فارغ از معادلات سیاسی روز‌مره پیش رفت و نقدش را در آثار آخر به سمت مدرنیته برد. ذیل همین نگاه، مدل موزیک‌ویدئوها هم به او کمک کرد و سبک و شیوه تولیدات تصویری زمانی به همراه مهراں علوی، شیوه لباس پوشیدن بدنه حزب‌اللهی را تغییر داد و این نشان از بسته فرهنگی کاملی دارد که او تلاش داشت در آن ۱۴ سال صورت‌بندی کند.

— زمانی آمده است که برنگرد

حامد زمانی به گواه میزان چرخیدن آهنگ‌ها و کیفیت آثارش مهم‌ترین

فرهنگ‌نگار

خواننده‌ای است که آثارش را مختص به جبهه انقلاب خوانده. او پس از حواشی و درگیری‌های سال ۹۸، دیگر خودش را از فضای موسیقی جدا کرد و بنا بر گفته اطرافیانش دیگر تمایلی به ادامه مسیر خوانندگی نداشت. با این حال در همین چند هفته‌ای که گذشت، زمانی گفته می‌خواهد پشت میکروفن بیاید و دست به انتشار اثر بزند. او که در سال‌های پایانی فعالیت خود مورد حمله جریانات خارج از کشور و هسته شایعه‌ساز داخلی قرار گرفته بود، حالا با گذر از آن حواشی می‌خواهد آثاری همچون «خادم‌الحسین (اگر آوارام قلم در ایوان تو جا مانده)» و یا «امام رضا(ع) (همکاری مشتربک با عبدالرضا هلالی)» را تکرار کند. خواننده‌ای که بنا برر گفته نزدیکانش در حال برنامه‌ریزی برای انتشار قطعات موسیقی جدید است و به زودی آثار تازه‌ای را برای علاقه‌مندانش منتشر می‌کند.



دوشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۴



شماره ۴۴۹۰



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

— آدم و حوا

روشفکر نماها می‌گویند: «تابوشکن» ولی فیلم «آدم و حوا» ساخته «امیر شروان» به‌عنوان یکی از فیلم‌فارسی‌سازان صاحب‌سبک بسیار موهن و توهین‌آمیز بود. کار امامعلی حبیبی در سومین فیلمش داشت بیخ پیدا می‌کرد، چون کارگردان کم‌سواد و بی‌مایه‌اش عملاً در برابر فرهنگ عمومی مردم شمشیر از رو بسته بود و بدون هیچ ممانعتی داشت علیه ساختار قضایی وقت بیانه صادر می‌کرد. «آدم و حوا» نسخه کم‌رنگ‌تر «زنی به‌نام شراب» بود و علاوه‌بر انکای بیش از حدش بر برهنگی بازیگر زن ایتالیایی الاصلش، مامیت حکم اعدام

— رام کردن مرد وحشی

دیگر چیزی به پایان عمر بازیگری امامعلی حبیبی در سینمای فارسی نمانده بود که او به پروژه جدید «آل کاپوین ایران»، محمدکریم ارباب پیوست. عمر ارباب کوتاه بود، ولی باعث شد تا تأثیر او در صنعت سرگرمی باب میل دربار پهلوی در سایه‌افردی چون محمودربانی قرار بگیرد. او صاحب کاباره تازه‌تأسیس پاکارا و مدیر «فردوسی فیلم» بود و نقش ویژه‌ای در پیشبرد اهداف رژیم، برای زیر و زبر کردن فرهنگ عامه به عهده گرفته بود. «رام کردن مرد وحشی» با مرارت‌های بسیار، دوسال پیش از مرگ ارباب و در سال ۱۳۴۹ ساخته و اکران شد. کمال دانش در دوره وفور نعمت سینمای فارسی و ترافیک قابل توجه تولیدات

— مرد جنگلی

بسیاری از سینمایی‌نویس‌های طرفدار جریان فیلم‌فارسی در نقد تولیدات سینمای پس از انقلاب به این نکته اشاره کرده‌اند که جای خالی بروز ایده‌های ژانری در این آثار خالی است، درحالی‌که سینمای ما تا پیش از سال ۱۳۵۶ و ورشکستی کامل تعلق و وفاداری خاصی به مقوله تکرر و تعدد ژانر داشت و می‌توانست برای هر سلیقه‌ای چیزی در چنته‌اش داشته باشد. می‌توان با بخشی از این نظرات موافق بود، ولی باید این افراد –که تعدادشان کم هم نیست– را با واقعیتی تلخ مواجه کرد: سینماگران کم‌سواد و بساز و بفروش ما در سال‌های دهه‌های چهل و پنجاه شمسی علاقه غیرقابل چشم‌پوشی‌ای به آثار ژانری داشتند، اما تقریباً هیچ از زمینه فرهنگی و تاریخی این گونه فیلم‌ها و تضاد و تعارضشان با عرف و اخلاق جامعه مذهبی ما نمی‌دانستند و فکر می‌کردند اگر پلاستیک

فیلم‌های وسترن، جنایی و نوآر را از سینمای آمریکا و ملودرام را از آثار ترکیه‌ای، مصری و هندی بگیرند و بازیگران به زبان فارسی دیالوگ بگویند، ما با سینمایی متکی به خود و قائم‌به‌ذات که می‌تواند گلیمش را از آب بیرون بیاورد طرف می‌شویم، درحالی‌که بار کج به منزل نمی‌رسد و همین فکر، بنیان فرهنگی کاخ پهلوی را با تمام آن ایده‌ها در باب «توسعه» به لرزه درآورد و در نهایت فروریخت. امامعلی حبیبی هم بسا پایان فیلم تارزان «مرد جنگلی» به پایان دوران حضورش در آثار عامه‌پسند رسید و ۵۵ سال باقی‌مانده عمرش را در محبوبیت و بدون نیاز به پرده سینما طی کرد. تنها نکته مهم مرد جنگلی بازی جمشید هاشم‌پور (آریا) در کنار حبیبی بود. کمال دانش به‌عنوان کارگردان این فیلم تنها دو سال در سینما دوام آورد و پس از ساخت «خر دجال» در سال ۱۳۵۱ قید سینما را زد.



ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ

امامعلی حبیبی دارنده اولین مدال طلای کاروان ورزشی ایران در طول تاریخ المپیک‌دگ‌گذشت. دوستداران ورزش کشور، خاصه‌کشتی حبیبی را به‌عنوان یک قهرمان نامیرا که توان بدنی و فنی هیچ مبارزی در تشک کشتی به او نمی‌رسید، می‌شناسند. او فقط یک قهرمان صرف نبود و سعی کرد در حوزۀ دیگری هم ورود پیدا کند که سینمای یکی از همان عرصه‌ها بود، به‌طوری‌که در این سال‌ها علاقه‌مندان تاریخ سینمای ایران

— ببر مازندران

پای امامعلی حبیبی با یک اتفاق ساده به سینما باز شد. حضور در دوره بیست‌ویکم مجلس شورای ملی به‌عنوان نماینده بابل به ضرر حبیش تمام شد و برایش صدویست هزار تومان قرض به بار آورد؛ او هم برای جبران این ضرر مادی پیشنهاد ایفای نقش در سینما را پذیرفت و در همان قدم اول با یکی از مهم‌ترین کارگردان–تکسین‌های زمان خود، یعنی ساموئل خاچیکیان همکاری کرد. فیلم موردنظر، «ببر مازندران» (خشم و غرور) نام داشت و حبیبی کارش در جلوی دوربین را با هدایت فریدون گله در استودیو پارس فیلم آغاز کرد، اما پس از مدتی به دلیل راضی نبودن تهیه‌کننده از شیوه کار گله جوان، پای خاچیکیان به وسط کشیده شد و این‌بار نه در استودیو پارس فیلم، بلکه در استودیو میثاقیه فرایند تولید دوباره «ببر مازندران» را در پیش گرفت. فیلم با تغییراتی چشمگیر نسبت به نسخه کارگردان کُندو جلوی دوربین رفت و سواى مباحث مربوط به ساختار روایی به اثری خوش‌ساخت و همین‌طور پرفروش در سال ۱۳۴۷ تبدیل شد. این سال برای کارگردان «ببر مازندران» و

— جهنم سفید

خاچیکیان سال پررونق و پرفروش ۱۳۴۷ را با فیلم «جهنم سفید» به پایان برد. در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی، پاورقی روزنامه‌ها و جراید خوانندگان بسیاری داشت و این نکته‌ای بود که از نظر آلفرد هیچکاک ایران دورنماند. او با محور قرار دادن همین اصل و براساس قصه‌هایی که در مجلاتی نظیر «زن روز»، «کیهان چچه‌ها»، «اطلاعات بانوان» و… به چاپ می‌رسید، فرایند فیلمبرداری جهنم سفید را آغاز کرد

۱۳